



ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • فاکس: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارندۀ گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

• امام علی (ع):

هر عاقبتی، به رنج و بلایی ختم می شود.

سخن روز

غرر الحکم: ۶۸۴۷

سینما فقط فروش نیست

اگر سینما را مثل یک ابزار بدانیم، مهم است از این ابزار چگونه استفاده کنیم. ما متأسفانه فقط روی یک نوع فیلمسازی تبلیغ می کنیم؛ فیلمسازی که فروش داشته باشد در حالی که در دنیا انواع و اقسام فیلم‌ها ساخته می شود.

خود من دغدغه مستند و داستانی دارم و تلفیق و ایجاد تعادلی بین این دو برایم مهم بوده است و باورپذیر بودن آن برایم اهمیت دارد. اگر فیلمسازی برای پول گرفتن باشد خیلی سخت است اما اگر برای لذت بردن باشد، راحت می شود.

بخشی از صحبت‌های خسرو سینایی در گفت‌وگو با ایسنا در بهمن ۱۳۹۳ که به بهانه زادروز او بازنشر می شود

«حمیدرضا نعیمی»

به تماشاخانه ایران شهر می‌آید

حمیدرضا نعیمی، نویسنده و کارگردان تئاتر، تازه‌ترین اثر خود را در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایران شهریروز صحنه می‌برد. این نمایش که جدیدترین اثر حمیدرضا نعیمی در مقام نویسنده و کارگردان است، با اقتباس از تراژدی «مدۀ» اثر اورپیپدوس، نمایشنامه‌نویس یونان باستان، تولید شده است. «مدۀ» اولین تجربه حضور نعیمی در سالن استاد سمندریان خواهد بود و اجرای آن به‌زودی آغاز می‌شود. جزئیات مربوط به زمان آغاز اجرا، بازیگران، عوامل و طراحان این نمایش، متعاقباً اعلام خواهد شد. **ایران**



«آتش سوزی‌ها» با بازی

«ریما رامین‌فر»، ۳ میلیاردی شد

نمایش «آتش سوزی‌ها» به کارگردانی مرتضی میرمنظمی که از روز ۳۱ تیر اجرای خود را در تالار اصلی با ظرفیت ۵۷۹ تماشاگر و قیمت بلیت ۵۶۰ هزار و ۷۰۰ تومان آغاز کرده، با ۹ اجرا و ۴ هزار و ۸۷۰ مخاطب، ۳ میلیارد و ۴۹۰ هزار تومان فروش داشته است. نمایش «آتش سوزی‌ها» بر اساس نمایشنامه‌ای از وجدی معبود با ترجمه نازنین مهبین و فیلم سینمایی «INCENDIES» روی صحنه است. ریما رامین‌فر از بازیگران اصلی این نمایش است. **ایران**



«بهرام ابراهیمی» در جمع شورای سیاست‌گذاری جشنواره تئاتر فجر

از سوی مهدی شفیعی معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعضای شورای سیاست‌گذاری چهل و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر معرفی شدند. مریم معترف، محمدحسین ایمانی خوشخو، بهرام ابراهیمی، حسین مسافر آستانه، حجت‌الله ایوبی، محمد مهدی بهداروند، مریم کاظمی، نادر برهانی مرند و جهانشیر یاراحمدی برای عضویت در شورای سیاست‌گذاری چهل و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر دعوت به همکاری شدند. **ایران**



یوسف محمودی در گفت‌وگو با «ایران» از فعالیت موسیقایی اش می‌گوید

روایت شکوه ایران با موسیقی غیرایرانی

گزارش

نداسیجانی

گروه فرهنگی

یوسف (سجاد) محمودی، که با نام هنری «Yousef Al» شناخته می‌شود، از جمله هنرمندان جوانی است که تلاش کرده با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، موسیقی را به ابزاری برای روایت فرهنگ، تاریخ و هویت ایرانی در سطح بین‌المللی تبدیل کند. او با تولید آثار به زبان انگلیسی و استفاده از سبک‌هایی مانند پاپ و رپ، می‌کوشد

با توجه به اینکه در آثارشان به موضوعات مذهبی، تاریخی و فرهنگی می‌پردازد، بازیخورد مخاطبان ایرانی و غیرایرانی چگونه بوده‌است؟

بیشترمخاطبان من انگلیسی‌زبان و از کشورهای مختلف غیرایرانی هستند. در جریان جنگ رمضان، این موضوع برای آنها اهمیت زیادی پیدا کرد و به‌شدت با آثار من همراه شدند. من در آن دوره روی موضوعاتی کار می‌کردم که برایشان جالب بود. برای نمونه، نمایش «دست از ایران بردار» (Hands Off Iran) را در ارواویل جنگ ساختم؛ اثری که روایتی از امید، هویت، تاریخ، عزت و ایستادگی ایرانیان ارائه می‌کرد و با استقبال زیادی روبه‌رو شد. بسیاری از مخاطبان با این اثر همراه شدند و می‌گفتند که در کنار ایران هستند. حتی در همان دوره من دعوت شد تا به برخی از کشورهای که مخاطبانم در آنجا زندگی می‌کنند، سفر کنم. البته این به آن معنا نیست که همه مخاطبان، همه آثار من را به یک اندازه دوست داشته باشند، اما به‌طور کلی وقتی بتوان دربارۀ ایران صحبت کرد و مخاطب خارجی بتواند با موضوع ارتباط برقرار کند، آن را دنبال می‌کند. برای مثال، اثری درباره امام زمان (عج) ساخته بودم که با استقبال و توجه زیادی از سوی مخاطبان غیرایرانی روبه‌رو شد.

شعرهایی که در آثارتان استفاده می‌کنید، سروده خودتان است یا از هوش مصنوعی نیز کمک می‌گیرید؟

شعرها را خودم می‌نویسم. البته امروز به‌طور کلی از هوش مصنوعی در بسیاری از مراحل کار استفاده می‌کنیم. من استودیویی با عنوان «یوسف‌آی‌ای» راه‌اندازی کرده‌ام و موسیقی را با کمک هوش مصنوعی تولید می‌کنم. در بخش صدا نیز برخی از آثار با صدای خودم و در بخش‌هایی، با استفاده از فناوری‌های مختلف، فضای صوتی کار را تولید و

سینمایی‌تری می‌کنم و کیفیت آن را ارتقا می‌دهم.

چرا زبان انگلیسی را برای روایت مفاهیم ملی و میهنی انتخاب کردید؟

یکی از دغدغه‌های همیشگی من، روایت درست و دقیق از ایران بوده است. در کنار آن، موضوع کارآمدی دین نیز برایم اهمیت داشته است. دین در سال‌های طولانی با چالش‌ها و تقداهای مختلف مواجه بوده و همواره این پرسش مطرح شده که اسلام برای ملت‌ها، مردم و زندگی آنها چه آورده‌ای دارد. یکی از دغدغه‌های من این بوده که بتوانیم در حوزه روایت ایران، فرهنگ و تاریخمان با جهان وارد گفت‌وگو شویم. ما معمولاً گفت‌وگوی گسترده و مستمری با دنیا نداریم. بخش زیادی از روایت‌هایی که از ایران به جهان منتقل می‌شود، یا به موضوع مقاومت محدود می‌شود یا از سوی گروه‌ها و افراد خاصی دنبال می‌شود. در حالی که ما باید بتوانیم درباره تاریخ ایران، شهرهای ایران، فرهنگ و آداب و رسوم این کشور به زبان انگلیسی با دنیا سخن بگوییم.

در ایران نیز بسیاری از تولیدات فرهنگی، به‌طور طبیعی برای مخاطب ایرانی و بر اساس سفارش مجموعه‌های داخلی تولید می‌شوند. احساس کردم می‌توانم از خارج از ایران و به عنوان فردی که با فضای بین‌المللی آشنایی دارد، این مسیر را دنبال کنم. من در حوزه مدیریت مهدیسی و توسعه و تحول پایدار تحصیل کرده‌ام و فعالیت کارآفرینی و تجربه زندگی در فضای بین‌المللی، می‌تواند این امکان را برای ارتباط و تعامل با مخاطبان خارجی و آشنایی بیشتر با محیط و فضای زندگی غربی‌ها فراهم آورد.

افراد زیادی در استرالیا یا دیگر کشورهای جهان زندگی می‌کنند و به زبان انگلیسی مسلط هستند، اما دغدغه فعالیت فرهنگی ندارند. از سوی دیگر، افرادی هم هستند که دغدغه فرهنگی دارند، اما

تصویری متفاوت از ایران را برای مخاطبان غیرایرانی ترسیم کند؛ آثاری که موضوعاتی چون هویت ملی، مقاومت، همبستگی، تاریخ و فرهنگ ایران را دستمایه روایت قرار داده‌اند. محمودی فعالیت هنری خود را با پروژه‌های فرهنگی آغاز کرده و با ورود هوش مصنوعی به عرصه تولید محتوا، این فناوری را در خدمت خلق آثار موسیقایی قرار داده است. نمایشگاه‌هایی همچون «Hands Off Iran»، «Ask Them Why» و «One Man for All» از جمله آثار او هستند که با هدف ایجاد گفت‌وگو با مخاطبان جهانی و معرفی ایران از دریچه موسیقی تولید شده‌اند. در این گفت‌وگو، یوسف محمودی از تجربه فعالیت در حوزه موسیقی مبتنی بر هوش مصنوعی، انتخاب زبان انگلیسی و برنامه‌های آینده خود سخن گفته است که در ادامه می‌خوانید.

فعالیتشان بیشتر به شکل سنتی است و شاید امکان یا توانایی برقراری ارتباط گسترده با جوامع خارج از ایران را نداشته باشند؛ مگر در موضوعات خاصی مانند محرم. در نتیجه، تولید آثار فرهنگی جریان ساز و تعاملی در سطح بین‌المللی کمتر اتفاق می‌افتد. تلاش کرده‌ام به شکل‌های مختلف این خلأ را پر کنم. خودم این مسیر را «تکمیل چرخه تمدنی» می‌نامم؛ یعنی اگر یک فعالیت فرهنگی را آغاز می‌کنیم، تلاش کنیم از ابتدا تا انتهای مسیر، کنترل و روایت آن در اختیار خودمان باشد. به همین دلیل احساس کردم اگر می‌خواهیم بگوییم ایران کشوری قدرتمند و دارای فرهنگ و تمدن غنی است، بهتر است اجازه دهیم مخاطبان خارجی نیز این موضوع را ببینند و درباره آن سخن بگویند. در برخی از آثاری که تولید کرده‌ام، این اتفاق رخ داده است. به نظرم این می‌تواند یک مسیر تازه برای گفت‌وگوی فرهنگی و معرفی ایران به جهان باشد.

موسیقی رپ و راک معمولاً ظرفیت اعتراضی دارند. آیا انتخاب این ژانرها برای آثاری مانند «Ask Them Why» نیز با همین هدف انجام شد؟

قطعاً. قطعه «Ask Them Why» یا «از آنها بپرس چرا»، اثری کاملاً اعتراضی است. در این اثر تلاش کردم به مردم جهان بگویم که صرفاً به آنچه به شما نمایش داده یا روایت می‌شود اکتفا نکنید؛ بلکه فکر کنید مالیاتی که پرداخت می‌کنید، چگونه و در کجا هزینه می‌شود و پشت پرده بسیاری از اتفاقات چه کسانی قرار دارند. سال‌ها پیش چنین اتفاقاتی برای کشورهای مختلف رخ داده و حالا نوبت به ایران رسیده است. این اثر به نوعی دعوت به اعتراض، پرسشگری و آگاهی است؛ اینکه انسان‌ها از خودشان بپرسند چه اتفاقی در حال رخ دادن است و چرا باید آن را بپذیرند. خوشبختانه این اثر نیز بازخورد خوبی داشت و من

آن را در پلتفرم‌های مختلف بین‌المللی منتشر کردم. در کنار این آثار اعتراضی، به موضوعات تاریخی، فرهنگی و ارزش‌های خودمان نیز می‌پردازم. این موضوعات هم روایت خاص خودشان را دارند و باید مخاطب خود را پیدا کنند یا حتی در برخی موارد، آن مخاطب را بسازند. هدف ما این نیست که صرفاً بیاری مخاطبی که از قبل با یک موضوع موافق است، اثر تولید کنیم؛ بلکه می‌خواهیم مخاطب را با یک مسأله مواجه کنیم و او را به فکر کردن واداریم.

به نظر شما یک اثر ملی و میهنی به زبان انگلیسی تا چه اندازه می‌تواند مخاطبان غیرایرانی را با فرهنگ، تاریخ و هویت ایران آشنا کند؟ اگر زمینه و بستر مناسبی وجود داشته باشد، می‌توان از ظرفیت‌های مختلف برای معرفی فرهنگ و تاریخ ایران استفاده کرد. یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها، گردشگری است. حضور گردشگران در ایران و بازدید آنها از اماکن تاریخی و مذهبی، شهرها، معماری، فرهنگ و روابط اجتماعی مردم، بستری است که می‌توان بسیار روی آن کار کرد. متأسفانه در سال‌های گذشته، به دلیل محدودیت‌های سیاسی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، موضوع گردشگری هیچ‌گاه به شکل جدی و مستمر در خدمت معرفی فرهنگ ایران قرار نگرفت. برخی مسائل و به‌خصوص تحریم‌ها نیز باعث شد بسیاری از مردم جهان نتوانند ارتباط مستقیمی با ایران، تاریخ و فرهنگ خودمان برقرار کنند. از سوی دیگر، خود ما ایرانی‌ها نیز در داخل کشور آن طوره معرفتی را به‌کار نمی‌بریم. البته پیش از این فرهنگ و تاریخ ایران از تلاش نکرده‌ایم. احساس کردم معرفی فرهنگ و تاریخ ایران از طریق موسیقی، در مقطع کنونی می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد. البته پیش از این هم موسیقی تولید می‌کردم، اما وقتی جنگ آغاز شد و توجه جهانی به مقاومت مردم ایران، رشادتهای آنها و تقابل کشور با دشمن افزایش پیدا کرد، فرصت مناسبی برای تولید آثاری که بتواند با مخاطب مختلف بی‌اشکوب و بی‌طرفانه روایت دهد، پدیدار شد. این آثاری که به‌تازگی تولید کردیم، در واقع بازتابی از این شرایط تاریخی و اجتماعی زمانه خود است و نمی‌توان تجربه‌های متفاوت را با یک معیار سنجید. همین نگاه



یکی از دغدغه‌های من این بوده که بتوانیم در حوزه روایت ایران، فرهنگ و تاریخمان با جهان وارد گفت‌وگو شویم. ما باید بتوانیم درباره تاریخ ایران، شهرهای ایران، فرهنگ و آداب و رسوم این کشور به زبان انگلیسی با دنیا سخن بگوییم.

توجه رسانه‌ای به موضوع جنگ، تمرکز مخاطبان خارجی نیز تا حدی به سمت مسائل داخلی کشورهای خودشان، فعالان اجتماعی و موضوعات حقوق بشری رفته است. با این حال، همچنان علاقه دارند درباره ایران بشنوند. به همین دلیل فکر می‌کنم باید در آثار آینده، بیشتر به مسائل در عین حال، اگر موضوع ایران هم در این آثار مطرح شود، می‌تواند به ارتباط بهتر کمک کند. بخش زیادی از فعالیت‌های من در قالب نماهنگ است و فکر می‌کنم اگر خودم بیشتر مقابل دوربین حاضر شوم و درباره این موضوعات صحبت کنم، می‌تواند به دیده شدن آثار کمک کند. از سوی دیگر، تولید این آثار باعث شد با افراد مختلفی در سراسر جهان ارتباط برقرار کنم. حتی با برخی از آنها صحبت کرده‌ام که در آینده برایشان آثاری تولید کنم که لزوماً موضوع آنها ایران نباشد.

در تولید چنین آثاری، حفظ هویت ایرانی در کنار استفاده از یک زبان بین‌المللی چه چالش‌هایی دارد؟

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، شیوه روایت موضوع برای مخاطب بین‌المللی است. بسیاری از هنرمندان و روایتگران برجسته‌ای که در ایران زندگی می‌کنند، سال‌ها درباره موضوعات مختلف تجربه و دانش عمیقی به دست آورده‌اند؛ چه در سینما، چه در موسیقی و چه در مستندسازی. اما مخاطب خارجی الزماً چنین پیش‌زمینه‌ای ندارد. برای مثال، اگر بخواهیم درباره امام حسین (ع) یا تاریخ ایران صحبت کنیم، ممکن است در داخل کشور، یک متخصص با دانش بسیار بالا درباره موضوع سخن بگوید و مخاطب ایرانی نیز به دلیل پیش‌زمینه فرهنگی و تاریخی، بخش زیادی از آن را درک کند. اما وقتی قرار است با مخاطبی در سطح بین‌المللی صحبت کنیم که ممکن است هیچ پیش‌زمینه‌ای درباره ایران ندارد و تنها با روایت‌هایی که رسانه‌های غربی ارائه کرده‌اند با کشور ما آشنا شده است، باید شیوه روایت را تغییر دهیم تا موضوع قابل فهم باشد. این یکی از مهم‌ترین چالش‌های روایتگری بین‌المللی است. در این میان، فرم اجرا، جنس موسیقی، نوع بیان و حتی انتخاب واژه‌ها اهمیت زیادی دارد. واژه‌ها ممکن است در جامعه هدف، کاربرد و بار معنایی متفاوتی داشته باشند. بنابراین، انتخاب درست کلمات و پیدا کردن زبانی که بتواند احساس و مفهوم مورد نظر را به مخاطب منتقل کند، یکی از چالش‌های مهم در تولید آثار فرهنگی برای مخاطب بین‌المللی است.



باشد؛ همان‌طور که شما معتقدید زبان انگلیسی می‌تواند مخاطبان بیشتری را جذب کند. دیدگاه شما درباره این موضوع چیست؟

بی‌تردید همین‌طور است، اما به نظر من ضرورتی ندارد خودمان را به یک شیوه روایت محدود کنیم. وقتی از موسیقی بی‌کلام استفاده می‌کنید، تصاویر و عناصر بصری می‌توانند روایتگر موضوع باشند. موسیقی نیز می‌تواند به آنها انرژی بدهد. افسوس را منتقل کند یا برعکس، انرژی و امید ایجاد کند. اما وقتی شعر نیز به اثر اضافه می‌شود و محتوای آن با تصاویر ارتباط پیدا می‌کند، موسیقی می‌تواند به کمک این مورد نظر نزدیک‌تر کند. به نظرم هر دو شیوه می‌توانند در جای خود اثرگذار باشند. در مورد «قائد شهید» نیز همین اتفاق افتاد. اثر «قائد شهید» به‌صورت مستقل تأثیر خودش می‌تواند در جای خود اثرگذار باشد. اما کار بسیار حزن‌انگیز و غمگین بود. اما وقتی قطعه «قائد شهید» را شنیدم، تصمیم گرفتم متن خودم را روی این ملودی قرار دهم. این پیشنهاد را با امیرحسین سمعی مطرح کردم و ایشان نیز پذیرفتند. تلاش من این بود که در کنار حزن و اندوه موجود در اثر، فضایی امیدآفرین ایجاد کنم و این قطعه بتواند به یک جریان فرهنگی و هنری تبدیل شود.

وقتی درباره ایران می‌خوانید، مهم‌ترین پیامی که می‌خواهید به جهان منتقل کنید چیست؟

تلاش من این است که تصویری واقعی‌تر، روشن‌تر و دقیق‌تر از ایران، فرهنگ، تاریخ و مذهب کشورمان به جهان ارائه کنم؛ تصویری که مخاطب بتواند بر اساس آن، شناخت درست‌تری از ایران پیدا کند.

تاکنون چند اثر در این مسیر تولید کرده‌اید؟

تاکنون پنج اثر اصلی تولید کرده‌ام: «Raise Your Hand»، «One Man for All»، «Ask Them Why»، «Hands Off Iran» و «We Stand Together». اثر دیگری نیز با عنوان «سرزمین رؤیایی» دارم که به زبان فارسی ساخته شده است. بسیار علاقه‌مند بودم این اثر در آستانه جام جهانی به گوش مردم برسد و به آنها انرژی بدهد. تمام آثاری که به آنها اشاره کردم، پیش از حضور در ایران ساخته شدند. در زمان حضورم در ایران نیز اثری درباره رهبر شهید تولید کردم که در واقع ریمیکسی بر اساس قطعه «قائد شهید»، ساخته امیرحسین سمعی بود؛ قطعه‌ای بی‌کلام که موسیقی رسمی مراسم وداع و تشییع محسوب می‌شد. ابتدا متنی را نوشته بودم و آن را بر اساس ملودی دیگری ساخته بودم. فضای کار بسیار حزن‌انگیز و غمگین بود. اما وقتی قطعه «قائد شهید» را شنیدم، تصمیم گرفتم متن خودم را روی این ملودی قرار دهم. این پیشنهاد را با امیرحسین سمعی مطرح کردم و ایشان نیز پذیرفتند. تلاش من این بود که در کنار حزن و اندوه موجود در اثر، فضایی امیدآفرین ایجاد کنم و این قطعه بتواند به یک جریان فرهنگی و هنری تبدیل شود.

قطعه «قائد شهید» اثری بی‌کلام بود و آهنگساز آن معتقد بود موسیقی بی‌کلام می‌تواند برای مخاطبان جهانی اثرگذاری بیشتری داشته

نگاهی به نمایش «ماهی‌رها» به کارگردانی ژاله صامتی

نهایت به نقطه‌ای مشترک می‌رسند.

از منظر نگارش نیز «ماهی‌رها» قابل تأمل است. حضور مهدی غلامحیدری در میان نویسندگان نمایش، بی‌تردید بر کیفیت روایت اثر تأثیر گذاشته است. غلامحیدری که سال‌ها در عرصه روزنامه‌نگاری فعالیت کرده، به خوبی با نبض مسائل اجتماعی و دغدغه‌های نسل‌های مختلف آشناست. این پیشینه باعث شده متن نمایش، با برخورداری از زبان ادبی، از واقعیت‌های اجتماعی فاصله نگیرد. نویسنده به جای خلق موقعیت‌های مصنوعی، از دل تجربه‌های زیسته و مسائل ملموس جامعه، روایت خود را شکل داده است؛ روایتی که مخاطب به آسانی با آن ارتباط برقرار می‌کند. ویژگی مهم دیگر متن، پرهیز از دیگانه‌سازی‌های ساده‌انگارانه است. در «ماهی‌رها» نه نسل گذشته کاملاً مقصر معرفی می‌شود و نه نسل امروز قربانی مطلق. نمایش می‌پذیرد که هر نسل، محصول شرایط تاریخی و اجتماعی زمانه خود است و نمی‌توان تجربه‌های متفاوت را با یک معیار سنجید. همین نگاه



«ماهی‌رها» در نهایت نه مرثیه‌ای برای گذشته است و نه بیانیه‌ای درباره آینده. این نمایش تلاشی است برای فهم‌اکتون؛ اکتونی که در آن دوشل، هر دو زخمی‌اند، هر دو حسرت‌هایی پرروش دارند و هر دو بیش از آنکه به قضاوت نیاز داشته باشند، محتاج شنیده شدن هستند. «ماهی‌رها» از آن دست نمایش‌هایی است که ارزشش تنها در روایت یک داستان نیست، بلکه در ایجاد گفت‌وگویی است که جامعه امروز ایران بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد؛ گفت‌وگویی که زبانش نه سرزنش، بلکه همدلی است.

متصفانه، اثر را از بسیاری از آثار اجتماعی سال‌های اخیر متمایز می‌کند. البته نمایش در برخی بخش‌ها می‌توانست از ایجاز بیشتری بهره‌برد. کاره‌خی دیالوگ‌ها بیش از اندازه به بیان مقصود مفاهیم اجتماعی نزدیک می‌شوند و فرصت کشف را از مخاطب می‌گیرند. همچنین در بعضی صحنه‌ها، رنیم روایت اندکی افت می‌کند و تمرکز دراماتیک کاهش می‌یابد. با این حال، این کاستی‌ها در برابر انسجام کلی اثر و تأثیر عاطفی آن چندان تعیین‌کننده نیستند.

با اضطراب، بی‌اعتمادی و احساس دیده‌نشدن دست و پنجه نرم می‌کند. نمایش به زیبایی نشان می‌دهد که تفاوت تجربه‌های زیسته، مانع اشتراک در رنج‌های انسانی نیست. متن نمایش با پرهیز از شعارزدگی، تلاش می‌کند هر دو نسل را با نقاط قوت و ضعفشان به تصویر بکشد. دهه نوجوانی‌ها با خاطره جنگ، تنگنای معیشت، امیدهای ناتمام و رؤیاهایی که فرصت تحقق نیافتند، معرفی می‌شوند و در مقابل، نسل دهه هشتاد با بحران هویت، اضطراب آینده، زندگی در فضای مجازی و احساس تنهایی، نویسنده‌انگار اثر، به جای صدور حکم، مخاطب را به همدلی دعوت می‌کند؛ دعوتی که امروز بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز داریم.

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت نمایش، شخصیت‌پردازی دوزن از دو نسل متفاوت است. شخصیت‌هایی که در ظاهر فاصله‌ای بسیار با یکدیگر دارند، اما هرچه روایت پیش می‌رود، شباهت‌های عاطفی آنها آشکارتر می‌شود. دیالوگ‌های میان «ماهی» و «رها» به تدریج

نقد

رضاصامتی

دبیر گروه فرهنگی

در روزگاری که شکاف میان نسل‌ها بیش از هر زمان دیگری موضوع بحث‌های اجتماعی و فرهنگی شده است، بسیاری از آثار نمایشی می‌کوشند این فاصله را با زبان تقابل و قضاوت روایت کنند اما «ماهی‌رها» مسیر دیگری را انتخاب کرده است. این نمایش، به جای آنکه نسل دهه پنجاه و دهه هشتاد را در برابر یکدیگر بیندازد، آنها را در کنار هم قرار می‌دهد تا هر دو، رنج‌های یکدیگر را ببینند. همین انتخاب هوشمندانه، مهم‌ترین امتیاز این اثر است.

«ماهی‌رها» بیش از آنکه درباره اختلاف نسل‌ها باشد، درباره تنهایی مشترک آنهاست. نسلی که جوانی‌اش را در آرزوی ساختن آینده‌ای بهتر سپری کرد و نسلی